



Osmaniye Thought and Ahmad-Ibn-Hanbal's Motivations in Presenting the Discourse of Tarbi'a

Massoud Bahramian*  Mahdi Salah**  Ahmad Falahzadeh*** 

* Researcher and PhD in Islamic history (corresponding author) Tehran, Iran.: E-mail: Mmbahramian62@gmail.com

** Associate Professor of Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. E-mail: mehdisalah2011@yahoo.com

*** Researcher and PHD of Islamic history. Qom, Iran. E-mail: Ahram12772@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 29Janu2022

Received in revised

form: 18Augu 2022

Accepted: 8Sept 2022

Publishedonline: 22Dece2022

Keywords:

Ottoman thought,
Ahmad-Ibn-Hanbal, Discourse
of Tarbi'a,
Ahl al-Hadith,
Ahl-e-Bayt (AS).

ABSTRACT

Following the assassination of the third caliph in 35 A.H. and the imposed wars upon Imam Ali the ground was prepared for the rise of Osmaniye thought in a part of Islamic world. The Umayyads attempts to marginalize Imam Ali's virtues through their narrator's network played a widespread role and later The Abbasid's political campaigns in internalizing and perpetuating this thought and theory, perspective. After the fall of Umayyads and ascending of Abbasids to the throne and with the maturity of Ahl-e-Hadis, Ahmad-Ibn-Hanbal (164-241 A. H.) contributed to the Islamic solidarity through introducing Tarbi'a thought, i.e. accepting Imam Ali as the fourth caliph. The present research attempts to consider this thought through analyzing and describing the history of this thought. It also resolves to answer the question of " what have been the backgrounds of Tarbi'a in Ibn-Hanbal's perspective?". The findings of this research suggest that with the help of Ahl-e-Bayt and influence of Hadis narrators famous for their love of Ahl-e-Bayt, Ibn-e Hanbal set out to answer intellectual questions of his age, mitigate verbal disputes and carry out religious desensitizing in society. This research, based on the " sovereignty symmetry and religious belief-making" approach and through considering Hadis changes in the third century, set out to analyze and describe Tarbi'a in Ahmad-Ibn-Hanbal's perspectives.

Cite this article: Bahramian, Massoud & Salah, Mahdi & Ahmad Falahzadeh (2023) *Osmaniye Thought and Ahmad-Ibn-Hanbal's Motivations in Presenting the Discourse of Tarbi'a*. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31 Pages.75-107.

DOI: 10.22111/JHR.2022.40705.3291



© The Author; Massoud Bahramian, Mahdi Salah, Ahmad Falahzadeh
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2022.40705.3291



تفکر عثمانیه و انگیزه‌های احمد بن حنبل در ارائه گفتمان تربیع

مسعود بهرامیان^۱  مهدی صلاح^۲  احمد فلاح زاده^۳ 

۱. پژوهشگر و دکتری تاریخ اسلام (نویسنده مسئول) تهران، ایران. رایانامه: Mmbahramian62@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان. ایران. رایانامه: mehdisalah2011@yahoo.com

۳. پژوهشگر و دکتری تاریخ اسلام قم ایران. رایانامه: Ahrum12772@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

با کشته شدن خلیفه سوم در سال ۳۵ هجری، بنی امیه در کنار شماری از صحابه با طرح خونخواهی وی، در نخستین واکنش به این ماجرا، با راه‌اندازی نزاع و جنگ داخلی، زمینه‌های شکل‌گیری «جریان عثمانیه» را بوجود آوردند. این جریان، علی (ع) را در خونخواهی خلیفه سوم مقصر می‌دانست و خلافت پس از پیامبر (ص) را تنها درباره سه خلیفه نخست می‌پذیرفت. تلاش‌های امویان برای به حاشیه بردن فضایل علی (ع) از طریق شبکه راویانش، در نهادینه کردن این اندیشه موثر بود و بعدها مبارزات سیاسی عباسیان - برای پررنگ‌تر کردن نقش عباس عموی پیامبر نسبت به ابوطالب (ع) پدر علی (ع) - با علویان، در ماندگاری این نظریه نقش بسزایی داشت. پس از سقوط امویان و برآمدن عباسیان، تلاش‌های احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ ق) در طرح اندیشه تربیع یعنی پذیرش امام علی (ع) به‌عنوان خلیفه چهارم، گامی اساسی در ایجاد وحدت اسلامی بود. پژوهش حاضر قصد دارد پاسخ این پرسش را بیابد که: زمینه‌های ابعاد مختلف اندیشه تربیع در بینش ابن حنبل چه بود؟ دستاوردهای پژوهشی نشان می‌دهد که ابن حنبل با در نظر داشتن فضای دوستی اهل بیت (ع) در سده سوم، در پی پاسخگویی به دل‌بستگی‌های فکری عصر خود، و برای پایان دادن به تنش‌های کلامی به بسط نظریه تربیع کمک کرد. این پژوهش بر پایه نگره «تناسب حاکمیت و باور سازی مذهبی» واکاوی تحولات حدیث‌گرایی در سده سوم، به واکاوی اندیشه تربیع در بینش احمد بن حنبل با روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی و حدیثی در این قرن می‌پردازد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

واژه‌های کلیدی:

تفکر عثمانیه، احمد بن حنبل، گفتمان تربیع، اهل حدیث، حب اهل بیت (علیهم السلام)

استناد: بهرامیان، مسعود و صلاح، مهدی و فلاح زاده، احمد (۱۴۰۱) تفکر عثمانیه و انگیزه‌های احمد بن حنبل در ارائه گفتمان تربیع،

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۱، ص ۷۵-۱۰۷.

DOI: DOI: 10.22111/JHR.2022.40705.3291

© نویسندگان. مسعود بهرامیان و مهدی صلاح و احمد فلاح زاده

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

به دنبال قتل خلیفه سوم، بنی‌امیه برای بیعت نکردن با علی (ع) به‌عنوان خلیفه زمانه، به خونخواهی عثمان پرداخته و مقصّر قتل وی را علی (ع) یا یاران وی معرفی می‌کردند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۳۲/۷۳) این در حالی بود که در اصل کشته شدن عثمان، یک امر طبیعی در روند اعتراضی به سلطه خاندانی امویان شمرده می‌شد. (سیوطی، ۱۴۱۷: ۱۹۱) پس‌ازاین، جبهه مخالفین علی (ع) نیز باهدف زیر بار نرفتن نسبت به خلافت و به بهانه خونخواهی از عثمان، جنگ جمل را طراحی نمودند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۲۳/۳) به دنبال ناکامی پیکار جمل، با همین شعار خونخواهی عثمان، جنگ صفین به راه افتاد. (همو، ۳۴۲/۷؛ ابن حبیب، [بی‌تا]، ۲۹۴) التهاب‌های پس از نبرد صفین میان طیف‌های مسلمان و آثار آن بر صلح امام حسن (ع)، میراثی بود که به خلافت معاویه پیوند خورد. گرچه معاویه خود را مالک تمام‌عیار مناطق اسلامی می‌دید، اما پیامدهای فکری جنگ‌های نامبرده، همچنان ادامه داشت. بنی‌امیه و برخی از مخالفان علوی، در یک باور یعنی خونخواهی عثمان به‌مثابه بهترین بهانه برای برتافتن خلافت علی (ع) هم‌نوا شده بودند. بدین‌سان، عثمانی‌گری در دو قالب شکل گرفت. یکی آن‌که خونخواهی عثمان را نماد مخالفت با حکومت علی (ع) می‌دانست، مانند طیف فکری عایشه و عبدالله بن زبیر؛ و دیگری افزون بر این، عثمان را پیشگام فضیلت معرفی می‌کرد، که این تفکر گروه هواداران بنی‌امیه بود. با قدرت‌یابی خلافت بنی‌امیه، محدثان را برای جا انداختن باور به حقانیت عثمان (نک: ابن ماجه، ۱۴۱۸، ۱۲۸/۱) و تبدیل کردن آن به یک اندیشه در ساخت یک جریان مذهبی (عثمانیه) (۱) همراهی نمود. عثمانیه در برابر جریان شیعه یا متمایل به تشیع، که خلیفه سوم را مستحق مرگ می‌دانستند، وی را خلیفه «شهید» خواندند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵/۱۹۹۴: ۳۶۲/۱۶) با حمایت دولت اموی و محدثان درباری جریان عثمانیه، رشد روزافزونی یافت و با افراطی‌گری‌های خود، باعث شکاف نظری بیشتر میان مسلمانان شد. در این‌باره، بصره و شام که دو جنگ جمل و صفین در آن نواحی انجام‌شده بود، پایگاه‌های نظری عثمانی‌گری شد. (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۷۵/۷؛ هدایت پناه، ۱۳۸۱: ۱۰۸-۶۷) بالیدن جریان عثمانیه، روندی را طی کرد تا آنکه به ماجرای سب علی (ع) در منابر دوره اموی منتهی شد. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۰۶) اما با سرکار آمدن عباسیان، اوضاع تا حدودی دگرگون شد تا این‌که، احمد

بن حنبل، با توسعه نظریه تربیع، که علی (ع) را یکی از خلفای صالح پس از پیامبر و چهارمین جانشین برحق معرفی کرد، عملاً جریان عثمانیه را به حاشیه راند. این مقاله با بررسی زمینه‌های نظریه تربیع نزد احمد بن حنبل، به واکاوی تاریخی این ماجرا بر پایه روش توصیف و تحلیل گزاره‌های تاریخی و حدیثی می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

درباره زمینه باور به تربیع در اندیشه احمد بن حنبل مقاله یا نوشتار مستقلی بر اساس رویکردهای این مقاله یافت نشد، گرچه پایان‌نامه‌ای با عنوان «اندیشه و عملکرد حنبله بغداد در قرون سوم و چهارم هجری» به قلم مرجان محتشمی‌فرد در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه خوارزمی به صورت اختصاصی به اندیشه سیاسی حنبله پرداخته، ولی به بحث تربیع اشاره‌ای نکرده است. پایان‌نامه «بررسی بروز اندیشه تربیع امام علی در میان اهل حدیث» توسط سید جبار شجاعی در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه سیستان و بلوچستان، هرچند به ذکر پاره‌ای از احادیث علی (ع) اشاره می‌کند ولی از چرایی طرح اندیشه تربیع سخنی به میان نمی‌آورد. در میان مقالات نیز، مقاله «زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های احمد بن حنبل» توسط زهرا روح‌اللهی امیری در شماره ۴۸ مجله علمی پژوهشی تاریخ اسلام (۱۳۹۰) تنها به بررسی چگونگی شکل‌گیری اندیشه سیاسی احمد بن حنبل پرداخته است و اشاره‌ای بسیار مختصر در حد چند سطر به بحث تربیع داشته است. همو در مقاله دیگری با عنوان «زندگی و زمانه احمد بن حنبل» در شماره ۲۳ مجله فصلنامه تاریخ اسلام (۱۳۸۴) به شرح زندگی احمد بن حنبل و حوادث دوران محنت می‌پردازد و از مسئله تربیع سخن نمی‌کند. مقاله «عثمانیه و شیعه در دو قرن نخست هجری» به قلم، سید علی خیرخواه علوی، نشر فصلنامه تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، به پیشگامان اندیشه تربیع اشاره کرده و ابوحنیفه را نخستین باورمند به این نظریه می‌داند که پسان‌تر شاگردان و هواخواهان وی این نظریه را گسترانیده‌اند و در قرن سوم احمد بن حنبل و جاحظ (د ۲۵۵ ق) به این موضوع دامن زده و آن را یکی از چارچوب‌های ذهنی جامعه اهل حدیث ساخته‌اند. در برابر این ادعا، پژوهش پیش رو نشان خواهد داد که این احمد بن حنبل بود که با استفاده از شبکه محدثان به این جریان رسمیت بخشیده و دربار را به پذیرش آن واداشته است. مقاله «تمایزات اهل بیت به‌عنوان انسان برتر در

نظر ابن حنبل و ابن تیمیه» نوشته مهدی فرمانیان و علیرضا میرزایی، چاپ فصلنامه انسان پژوهی دینی، سال سیزدهم، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵، در بخشی با عنوان «تثبیت تریب و شکستن فضای سنگین عثمانیه» با ذکر مستندانی از سبط بن جوزی، احمد بن حنبل را پیش‌قراول نظریه تریب می‌داند. از نظر او، محبوبیت و موالات اهل بیت (ع)، مرجعیت علمی و طهارت و نزاهت انحصاری، منزلت اهل بیت (ع) در سنج رفتار مخالفان، تبدیل و تفخیم و تکریم خاص اهل بیت، واجب‌الاکرام بودن اهل بیت، انگیزه‌های او در نظریه تریب بوده‌اند. علی‌رضا میرزایی نیز در مقاله دیگری بانام «ظرفیت‌های تقریبی احمد بن حنبل به شیعه امامیه در ساحت اندیشه و عمل» نشر پژوهش‌نامه امامیه، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، با توجه به ویژگی «مرجعیت علمی اهل بیت»، «اعتراف به جانشینی علی (ع) به جای پیامبر» زمینه‌های دیدگاه احمد بن حنبل در نظریه تریب را، منزلت انحصاری، معیار ایمان، طهارت ربانی علی (ع) و حس حسرت احترام‌آمیز به جایگاه اهل بیت به دلیل حضور علی (ع) در همراهی با پیامبر در مأموریت‌های خطرناک، می‌داند. مهدی حسینی روحانی نیز در مقاله «فرقه السلفیه و تطورات هافی التاریخ» نشر مجله نور علم، شماره ۲، دی‌ماه ۱۳۶۲ اشاره کوتاهی به تأثیر نظریه تریب بر فکر اشعری دارد.

در میان کتاب‌ها، صائب عبدالحمید در کتاب «المذاهب و الفرق فی الاسلام» نشر مرکز الرساله، احمد بن حنبل را بر اساس نامه‌اش به مسدد بن مسرهد، آغازگر نظریه تریب می‌داند. در میان کتب انگلیسی، *Aspects of the Creed of Imam Ahmad Ibn Hanbal: A Study of Anthropomorphism in Early Islamic Discourse* به قلم Wesley Williams ضمن گزارش انتقادی از زندگی احمد بن حنبل، اشاره‌ای به ماجرای تریب ندارد. همچنین رساله دکتری فلسفه دانشگاه استر، با عنوان *Early Muslim traditionalism: a critical study of the works and political theology of Ahmad Ibn Hanbal* اثر «سعود بن صالح سرحان» گرچه سخن از «تریب» کرده و احمد بن حنبل را بانی این اندیشه می‌داند، اما به زمینه‌های آن اشاره نمی‌کند. در میان مقالات ترکی استانبولی، مقاله «Ahmed b. Hanbel'in Siyasî Otorite Karşısındaki Tavrı» به خامه «احسان ارسلان» تنها به روند فعالیت‌های سیاسی احمد در مخالفتش با معتزله اشاره دارد.

احمد بن حنبل؛ زمانه و عصر

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروی بغدادی؛ در سال ۱۶۴ ق در بغداد زاده شد (ابن کثیر، ۱۴۱۱ ق: ۱۰/۳۲۶؛ معوض، ۱۴۲۰ ق: ۲/۱۶۰). وی ابتدا محضر قاضی ابویوسف را درک کرد و سپس در سال (۱۸۷ ق) برای فراگیری حدیث سفرهای متعددی را به حرمین شریفین، شام، یمن، کوفه، بصره و جزیره انجام داد و از افرادی مانند وکیع، یحیی بن آدم، یحیی بن معین، یحیی سعید قطان حدیث شنید (ابن کثیر، ۱۴۱۱ ق: ۱۰/۳۲۶؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱/۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۸۰؛ صابری، ۱۳۸۴: ۱/۲۱۱). او بعدها دو سال هم نزد شافعی حدیث آموخت (ابن کثیر، ۱۴۱۱ ق: ۱۰/۳۳۵؛ معوض، ۱۴۲۰ ق: ۲/۱۶۰). وی در دوره خلافت مأمون و در جریان حادثه محنت به دلیل استقامت بر عقیده خود درباره خلق قرآن متحمل ضربات شلاق مأموران حکومتی شد و حتی در عصر معتصم شلاق خورد و به بیست‌وهشت ماه زندانی شد. (سمعانی، ۱۳۸۲ ق: ۶/۳۵۷؛ ابن الحججه، ۱۴۲۶ ق: ۲۳)

احمد بن حنبل بعد از رهایی از زندان از سوی خلیفه، گویا از تحدیث و تدریس علنی منع شد، حتی برای نمازهای جمعه و جماعت خانه خود را ترک نکرد (ابن کثیر، ۱۴۱۱ ق: ۱۰/۳۳۷؛ نشار، ۱۴۱۶ ق: ۱/۲۵۷) و تنها پس از مرگ معتصم در سال (۲۲۷ ق) مدت کوتاهی مجلس حدیثی آشکاری داشت که آن نیز خیلی زود تعطیل شد (ابن ابی یعلی، ۱۴۱۷ ق: ۱/۲۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۱ ق: ۱۰/۳۴۲؛ انصاری، ۱۳۷۳: ۶/۷۲۰). وی هم‌عصر هشت تن از خلفای عباسی از مهدی تا متوکل بود در عصر متوکل (خ ۲۳۲-۲۴۷ ق) با رویکرد وی به اهل حدیث (سال ۲۳۴ ق) احمد به‌عنوان پیشگام محدثان از سوی دربار به سامرا دعوت شد و اندیشه‌های او به مدت شش سال معیار رفتار دینی متوکل قرار گرفت. بعدها اهل حدیث، به‌ویژه شاخه حنبلی آن اندیشه‌های وی را منتشر می‌کردند. ناگفته نماند پس از مرگ احمد بن حنبل، زندگانی وی را محدثان طرفدارش با اضافاتی در فضل وی، مطالبی با خواست خودشان تنظیم کرده‌اند (نک: ذهبی، [بی‌تا]، ۳۵۷-۱۷۷).

نظریه «گرایش حاکمیت به باور سازی مذهبی»

گسترش سازوکار سلطه در حکومت‌ها از راه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد. یکی از این موارد، شناخت جامعه و طراحی باوری همسو با آن و برآمده از رخدادهای تاریخی یا نیاز زمانه و پیشران

جامعه است. (May, 2014:3) حکومت از این طریق مردم را به پذیرش زمامداری تشویق نموده و حتی با تحریک احساساتشان، از آنها طرفداران سرسخت برای خود می‌سازد. در اینجا ساختار اجتماعی در شکل‌گیری و مدیریت احساسات نقش فراگیری دارد (ربانی خوراسگانی، کیانپور، ۱۳۸۸: ۴۳) و می‌تواند شکل‌دهنده هویت جمعی گردد. (همان، ۴۶) زمامداران با تحریک عواطف شهروندان، گام‌های مؤثری در پیشبرد اهداف خود برمی‌دارند. (Marcus, 2000: 221) چنان‌که بنی‌امیه، تحت تأثیر فشار ناشی از کشته‌های فراوان جنگ‌های جمل و صفین بر دنیای اسلام، موفق شدند، این حوادث را مبدأ تاریخی برای مبارزه با علی (ع) قرار دهند و اصلی‌ترین نماد حکومت خود را در دشمنی با وی و همفکرانش جستجو کنند. شایسته درنگ است که تناسب سطح فکری جامعه با نوع باور سازی در جوامع مختلف، یکسان نیست. (İPEK, 2018: 33-51)

میزان کارایی این باور سازی دینی، در موفقیت زمامداران در گسترش جغرافیا، سرکوب مخالفان و طولانی‌تر نمودن زمان حاکمیت، همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. در دولت امویان، معاویه پس از ربودن قدرت از دیگر رقبای خود، به دلیل قرار گرفتن در طیف طلقاء، مشروعیت حکمرانی خاصی را برای خود احساس نمی‌کرد، از این رو، مستمسک کشته شدن ناحق عثمان، مقدمه‌ای شد تا او با طرح باور به مظلومیت عثمان در برابر دیگران، نخستین گام‌های باور سازی سیاسی را برای حفظ و گسترش خود به کار ببندد (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۴۱۴/۲) و جریان عثمانیه در این دوره شکل بگیرد. این مقدمه، پسان‌تر، به ماجرای سب امام علی (ع) به مثابه پیشگام جریان مخالفان اموی، منتهی شد (ذهبی، ۱۴۱۳، ۴۶۱/۳) و جریان حدیث را که متأثر از سهم‌خواهی‌های دربار بود را نیز تحت تأثیر قرار داد (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ق، ۵۸/۴) تا اینکه باب‌های فضائل عثمان که در حقیقت بستری برای پاسداشت دولت اموی بود به منابع حدیثی افزوده شد. (قس: ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۱/۱۲۶) حدیث نبوی «فرشتگان از عثمان حیا می‌کنند» (مسلم، ۱۴۱۲: ۴/۱۸۶۶) و روایت «عثمان تنها هم‌نشین پیامبر در بهشت است» (ابن ماجه، همان، ۱۲۷/۱) دو نمونه از این موارد است.

تفکر عثمانیه از آغاز تا عصر احمد بن حنبل

مساله کشته شدن عثمان، به فاصله اندکی از شکل‌گیری حکومت معاویه مایه بهره‌گیری از محدثان درباری، برای تبدیل این ماجرای تاریخی به نظریه عثمانی‌گری شد تا دشمنی استوار با

علی (ع) و رد فضایل ایشان در قالب یک جریان علمی-فرهنگی وارد اندیشه مردم شود. پیرو همین گفتمان محدثان اموی، برای بازسازی چهره عثمان، او را در ردیف ابوبکر و عمر قرار داده و طرح سه خلیفه حق، را همین‌ها وارد متون حدیثی نمودند. محدثان مانند مره بن کعب بهزی (د ۵۷ ق) (ابن عبد آلبر، ۱۴۱۲: ۱۳۸۲/۳) و شاگردش ابواشعث صنعانی را می‌توان در این دسته نام برد. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۶/۶) تفکر عثمانی خود به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شد تا جایی که شماری از عثمانیه، حتی عثمان را بر دو خلیفه نخست نیز برتری می‌دادند (مقدسی، [بی‌تا] ۱۲۳/۵). تا آنکه، چیرگی عبدالملک بر سراسر جهان اسلام، شرایط مناسبی برای نشر باورهای عثمانیه فراهم کرد. از نظرگاه آنان، علی (ع) نه تنها خلیفه برحق نبود، بلکه از پیشوایان فتنه شمرده می‌شد و شریک خون عثمان بود (دینوری، ۱۴۰۵ ق: ۴۱). تحلیل این گروه بر عدم پذیرش خلافت علی (ع) آن بود که در عهد خلافت ایشان اختلاف و نزاع‌های داخلی به وقوع پیوست و انسجام داخلی جهان اسلام چند پاره شد. (بربهری، ۱۴۲۸ ق: ۱۰۳) با سرکار آمدن عباسیان (۱۳۲ ق) اندیشه‌های عثمانیه، تحت تأثیر دولت عباسی که خود را نماینده بنی‌هاشم می‌دانست، قرار گرفت. در فراز و نشیب دوره اول خلافت عباسی (۲۳۲-۱۳۲ ق) جریان عثمانیه نیز در کش‌وقوس گفتمان‌های جدید، رفته‌رفته جای خود را به نظریه‌های نو می‌داد. با انکار فضایل عثمان و اثبات برتری علی (ع) در عصر مأمون، گویا این موضوع دستمایه شورش و ادعای خلافت در عصر مأمون از سوی سعید بن خالد بن محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان شد (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۴۰/۴). گرچه معتزله در بصره تحت تأثیر پیامدهای جنگ جمل، نظریه تفضیل چهار خلیفه را به ترتیب خلفا راشدین پذیرفت، اما این نظریه از سوی معتزلیان غیر بصری که علی (ع) را بر عثمان برتری می‌دادند، رد می‌شد. (نصرالله، ۱۴۳۴: ۷۵-۴۳)

همسو با تفکر معتزله غیر بصری و تا حدودی زیدیه، رویه دولت عباسی نیز دگرگون شد و آن‌ها هم دست‌کم در آغاز حکمرانی‌شان، علی (ع) را بر عثمان، تفضیل دادند، (اشعری، ۱۴۰۰: ۶۵) تا هنگامی که اهل حدیث در عصر متوکل مجدداً بر کرسی تبلیغ شریعت قرار گرفتند. در این زمان ابوجعفر اسکافی در کتاب «نقض العثمانیه» و پسان‌تر جاحظ (د ۲۵۵ ق) با نگاشتن «الرد علی العثمانیه» دیدگاه‌های این نحله فکری را به چالش کشیدند. بعدها بزرگان معتزله سعی در تطهیر

چهره عثمان در برخوردش با صحابه عصر خود می‌نمودند و ماجرای تبعید ابوذر را زیر سؤال می‌بردند. (شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۴/۲۸۹) در این گیرودار احمد بن حنبل بر اساس حدیث سفینه (خلافت سی سال است و بعد از آن ملوکیت است) (عبدالله بن احمد، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۴) مسئله «تربیع» را طرح کرد و علی (ع) را نیز در زمره خلفای راشدین قرار داد و چندگانگی و نظرات مختلف اهل حدیث در این زمینه را از میان برد تا گامی مهم در راستای وحدت امت اسلامی برداشته باشد. ابن حنبل به دلیل جایگاه والایی که در بین اهل حدیث داشت و همچنین مقاومتی که در برابر مأمون و معتصم در خصوص خلق قرآن از خود نشان داد مورد توجه متوکل قرار گرفت. این عوامل نقش مهمی در نهادینه شدن مسئله تربیع در میان اهل حدیث داشت. شاگردان وی با دست‌یازی به این روایت «خیر الأمه بعد النبی (ص) أبو بکر و عمر بعد اُبی بکر و عثمان بعد عمر و علی بعد عثمان و هم خلفاء راشدون مهدیون» این نظریه را در میان جامعه جا انداختند. (ابن ابی یعلی، ۱۴۱۷، ۳۰/۱)

زمینه‌های نگره تربیع

بررسی لغت‌نامه‌های کهن نشان می‌دهد، تربیع از ریشه «رَبَّعَ» در لغت به معنی چهارسو ساختن یا چهارسو کردن (مربع کردن) است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۰۷/۱) که گاهی نیز به معنای ساختن چهارپایه برای بالا رفتن از درخت به کار می‌رفت. (شیبانی، ۱۹۷۵: ۱۵۴/۱) و در اصطلاح به معنای به رسمیت شناختن علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم راشدین است. این واژه در آغاز کاربرد سیاسی یا مذهبی ندارد، اما با تأکید جریان عثمانیه بر واژه «خلفای ثلاثه» برای نام بردن از سه خلیفه نخست و حذف علی (ع)، واژه تربیع در برابر آن معنای سیاسی-مذهبی به خود می‌گیرد.

یکم) تلاش در جهت کم‌رنگ کردن تنش‌های سیاسی

زمانه احمد بن حنبل، هنگامه کشمکش‌های سیاسی در جهان اسلام بود. آنگاه که وی در اوایل تحصیلش یعنی عصر هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ق) قیام‌هایی مانند قیام یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن (ع) چند صباحی توجه خلیفه را به خود جلب کرد و در پایان با فریبی که هارون به کار برد، گرچه این جنبش سرکوب شد (یعقوبی، ۱۴۱۹ ق: ۲/۲۸۶). اما التهاب‌ها همچنان برقرار بود. پسان‌تر در عصر مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ق) شورش‌های پرشمار علویان در عراق و دیگر نقاط

جهان اسلام به وقوع پیوست، که به همین سبب، خلیفه حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) را از مدینه به مرو فراخواند و منصب ولایتعهدی را به ایشان داد، تا علویان را به خود جلب نماید. (یعقوبی، ۱۴۱۹ ق: ۲/۳۱۵). با ورود به دوره معتصم و ورود سرباز بردگان تُرک به جهان اسلام ناآرامی‌ها و درگیری‌های رنگ و لعاب قومی نیز به خود گرفت. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۴۶۵؛ سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۳۷۹). پس از معتصم تا شروع خلافت متوکل (۲۳۲ ق) همچنان قیام‌های علویان ادامه یافت. اما متوکل نسبت به خاندان علوی نیز بسیار سختگیر بود و بر اساس تهمت‌های ناروا آنان را در بند می‌کرد و با خشم و کینه دست خود را به خون آن‌ها می‌آلود. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۷۸) در این زمان، نزدیک شدن احمد بن حنبل به متوکل و در اختیار گرفتن زمام امور محدثان و قرار دادن آن‌ها در شغل‌های دولتی مانند قضاوت، بر آرای خلیفه نیز، کارگر افتاد. (وکیع، ۱۴۲۲: ۳۳۸؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۳/۱۴۵) تا جایی که متوکل فرمان داد همه قاضیان بر اساس مسند احمد قضاوت نمایند. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۰۳/۲۰) این تلاش احمد برای کم کردن تنش‌های سیاسی میان مسلمانان، یکی از انگیزه‌های او در باورسازی به اندیشه تریب بود.

دوم) برون‌رفت از کشمکش‌های کلامی

جهان اسلام در روزگار ابن حنبل، آستن خلق نحلّه‌های فکری مهمی بود، چنان‌که به گفته لاوست: «وی [ابن حنبل] در مقابل فتنه یعنی گسیخته شدن وحدت امت که سبب ناتوانی است مفهوم جماعت را قرار می‌دهد که نماینده اتحاد و همبستگی مسلمانان است و در این باره آن‌سان پیش می‌رود که در مسئله تکفیر، وضعی مشابه مرجئه برمی‌گزیند.» (۱۳۶۰: ۱۰/۱۲۴۷) یکی از اصلی‌ترین مشکلات در این دوره، رشد اندیشه شعوبی‌گری بود که خود به چند شاخه تبدیل شد و از دل شاخه دین‌گریز آن، زندقه خارج شد. زندقه در عصر مهدی عباسی یکی از آن نحلّه‌ها بود که به نوعی در برابر اسلام قرار داشت. (یعقوبی، ۱۴۱۹ ق: ۲/۲۸۰) واژه «زندیق» در آغاز برای پیروان ادیان زرتشتی و مانوی به کار می‌رفت ولی سپس حوزه وسیع‌تری را شامل شد و ملحدان و افرادی که باعث ایجاد شبهه در دین شده بودند را نیز در بر می‌گرفت. (نشار، ۱۴۱۶ ق: ۱/۱۸۶) عباسیان برای از میان بردن حریفان خود از این حربه استفاده می‌کردند. گرچه زنداقه از آزادی دینی اوایل عصر عباسیان استفاده کرده و به ترویج عقاید و آراء خود پرداختند اما مهدی برای برخورد با آنان

دیوانی به نام «دیوان زنداقه» بنیان نهاد، (هشپاری، ۲۰۰۴ م: ۱۵۴) از این رو، بسیاری از آنان سرکوب، زندانی و قتل‌عام شدند.

پس از او مجازات زنداقه در عصر هادی هم چنان دنبال شد. گروه خوارج، نیز در این زمانه از عراق به نواحی شرقی ایران و تا حدودی شمال آفریقا نقل مکان کرده بودند. این جماعت، درباره حکومت عباسیان همان دیدگاهی را داشتند که پیش از آن درباره امویان بدان مشهور بودند و این هر دو خاندان را به رسمیت نمی‌شناختند. (صابری، ۱۳۸۴: ۱/ ۳۳۱) آن‌ها همچنان به شورش در برابر عباسیان اصرار می‌ورزیدند، همان‌طور که محمد بن عمرو شیبانی از این گروه در عصر واثق شوریذ. (یعقوبی، ۱۴۱۹: ۴۸۳/۲؛ طبری، ۱۴۱۱: ۱۴۰/۹) در این هنگام، طیف فکری اهل حدیث در ستیز با خوارج بودند چنان‌که یحیی بن محمد معروف به حیکان (د ۲۶۷ ق) پیشوای اهل حدیث نیشابور و از شاگردان احمد بن حنبل، در شورش «احمد بن عبدالله خجستانی» خارجی معروف این ناحیه، به‌دست او کشته شد. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۲۰ و ۵۱) گروه دیگر، معتزله بودند که خود سرچشمه بسیاری از رویدادهای خون‌بار به شمار می‌رفتند. هم‌زمان با عصر احمد، اندیشه اعتزال در دوره هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ ق) به خاطر گرفتاری خلفا به رقیبان خطرناک‌تری چون علویان، به همراه دل‌مشغولی برخی از آنان به دشمنان خارجی از یک طرف و بی‌نشاطی و عدم رویکرد صاحبان و بزرگان این مکتب به مبارزات سیاسی و نظامی از سوی دیگر میدان عمل بیشتری پیدا کرد (آقانوری، ۱۳۸۴: ۸۶) که در نهایت در دوره مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ق) به اندیشه رسمی خلافت تبدیل شد. احتمالاً یکی از انگیزه‌های مأمون از نزدیک کردن معتزله به خود، زدودن اختلافات فکری میان مردم و رسیدن به یک وحدت در جهان اسلام بود. (صابری، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۳۳) اما در نتیجه استفاده ابزاری حاکمیت از این اندیشه، جهان اسلام دچار آشفتگی شد. دادگاه‌های تفتیش عقاید (مِحنه) خود به نوعی، حاشیه رفتن اعتزال را سرعت بخشیدند، این در صورتی بود که معتزله که زمانی باعث وفاق جمعی بود، اکنون عاملی اصلی ناسازگری جامعه اسلامی شده بود تا آنجا که احمد بن حنبل به خاطر نپذیرفتن نظریه «خلق قرآن» به زندان افتاد (السبکی، بی‌تا: ۵۱/۲). بدین‌سان، آزارهای معتزلیان، اهل حدیث را بسیار رنجاند.

در دوران واثق (۲۳۲-۲۲۷ ق) سخت‌گیری به نا معتزلیان همچنان ادامه یافت و حتی به

کشته شدن «احمد بن نصر» که مخالف نظریه خلق قرآن بود انجامید (طبری، ۱۴۱۱ ق: ۱۴۱/۹-۱۴۵). اما با مرگ واثق روزهای طلایی معتزله نیز به پایان رسید و متوکل (۲۳۲-۲۴۷ ق) سقوط معتزله را کلید زد. وی در سال (۳۲۷ ق) اصل خلق قرآن را بدعتی در دین دانست و اعلام کرد باورمندان به این عقیده را به جرم ارتداد تعقیب خواهند کرد. (خضری، ۱۳۸۶: ۱۰۹) کار چنان بر معتزله دشوار شد که لقب «مجوسیان امت» از سوی اهل حدیث به معتزله نسبت داده شد. (۲۰۷: ۲۰۱۵، Karaağaç؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۹۱/۴) در این میان، ابن حنبل از چهره‌های معتزلی با واژه «کافر» یا «ملعون» یاد می‌کرد و به روشنی افرادی مانند ابن ابی دؤاد (بزرگ معتزلیان دربار) را «کافر به الله العظیم» «لعنه الله، وحشی الله قبره نار» می‌نامید (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۴/۱۷). همو، مرجئه را نیز از فرق گمراه می‌دانست. (احمدی، ۱۴۱۶، ۸۷/۱) گرچه احمد بن حنبل در مبارزه با معتزله پیشگام بود، با این حال هنوز در سال دهه‌های پایانی سده چهارم نیز، فرقه‌ای به نام حنبلی در منابع دیده نمی‌شود (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۶۶ و ۳۹). پس از این مبارزه برای حذف رقیبان قدیمی، اهل حدیث با تأکید بر اصطلاح «سواد اعظم» یعنی توده ملت مسلمان، پایه‌گذار جامعه نوینی شدند که اندیشه‌هایش همان دیدگاه‌های اهل حدیث بود. (جاحظ، ۲۰۰۳ ق / ۱۴۲۴، ۴/۷) سواد اعظم یا همان همراهی با توده مردم، نظریه‌ای بود که پیش‌تر در سخن علی (ع) و یارانش برای یکپارچه کردن مسلمانان به کار رفته بود. (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۲۵۲؛ صالح، ۱۴۱۴: ۹۷) اهل حدیث با درخواست از سایر فرق برای پیوستن به این جمع و دوری از فرقه‌گرایی، نخستین گام برای یکپارچگی مسلمانان زیر پرچم مفاهیم حدیث‌گرایان را برمی‌داشت. (ذهبی، همان: ۴۰۹/۱۸ و ۲۸۰/۳۹) روایت نبوی «یک‌دست شدن امت اسلام بر امری خلاف ناممکن است» یکی از روایت‌های متعارف در این دوره، میان محدثان بود (واقدی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰: ۳۶؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۱۲۲/۱؛ محاسبی، ۱۹۸۶ ق / ۱۴۰۶ ق: ۱۱۷) که می‌توانست انگیزه‌ای برای طرح نظریه تربیع به‌عنوان یک گام برای یکپارچگی فرق اسلامی از دريچه نظریه اجماع باشد.

سوم) تأثیرپذیری نظریه تربیع از مؤلفه‌های تقدس در دوره ابن حنبل

یکی از جنبه‌های فرهنگ‌سازی در دولت عباسیان، پدید آوردن نوعی تقدس برای بنی‌هاشم و پایبندی به آن بود که از طریق خویشاوندی عباسیان با رسول خدا (ص) مطرح شده و حتی یکی

از عوامل پذیرش خلافت آنان به شمار می‌رفت. (مسعودی، همان، ۴/ ۱۰۶) بر همین اساس در دیدار با خلیفه، مردم دست‌وپا و تخت او را بوسه می‌زدند. (طبری، همان، ۹/ ۴۶۴) این دایره تقدس که شامل همه بنی‌هاشم می‌شد، خودبه‌خود علویان را نیز در بر می‌گرفت از این رو در ظاهر تلاش می‌کردند حرمت آن دسته از علویان که رویکرد مخالفی علیه ایشان نداشتند را حفظ نمایند. این دایره تقدس، از نظر مردم براحتی شامل علویان هم می‌شد، به همین سبب عملاً شرایط اجتماعی برای تقدس علی (ع) نیز فراهم شده بود. بر مبنای این رفتار مذهبی، منصور عباسی آن زمان که مناسباتش با علویان نیک بود، آشکارا چهار خلیفه نخست که شامل علی (ع) می‌شد را خلیفه می‌نامید و دیگر خلفا را شاه خطاب می‌کرد. (زبیر بن به کار، ۱۴۱۶ ق/ ۱۳۷۴ ش: ۱۹۹) گفته شده است، حتی یکی از دلایل کشته شدن متوکل به‌دست منتصر توهین وی به علی (ع) و ریشخند کردن ایشان در مجالس بزم شبانه بود (ابن اثیر، ۷/ ۱۵۵).

ناگفته نماند در این سال‌ها جریان اهل حدیث نیز به‌دلیل استندهای فراوان به روایت‌های نبوی، به گروهی مقدس تبدیل شد. چنان‌که اگر محدثی از شهری به شهر دیگر می‌رفت، جمع فراوانی برای شنیدن حدیث دور او گرد می‌آمدند و در زمان خروج از شهر به سر و پایش هدایایی می‌ریختند که به آن «نِثار» می‌گفتند. (ثعالبی، تیمه الدهر، ۳/ ۲۳۷) این شبکه تقدس، علاوه بر آن‌که شرایط را برای طرح اندیشه تربیع آماده می‌کرد، اما همچنان محدثان را در خدمت عباسیان قرار می‌داد. (الزبیدی، ۲۰۲۰/ ۱۴۴۱: ۱۴۶-۱۵۳) از آنجا که زهد یکی از مؤلفه‌های موردتوجه اهل حدیث و از جمله احمد بن حنبل بود، این دسته، به‌دلیل زهد امام علی (ع) تقدس خاصی برای ایشان قائل بودند. (مسعودی، همان، ۴/ ۱۰۷-۱۰۸) همچنین محدثان، از آنجا که علی (ع) را یک محدث می‌شمردند، وی را از خود می‌دانستند. (مقدمی بصری، ۱۴۲۸/ ۱۲۵) پیوندهای عباسیان و اهل حدیث به‌گونه‌ای بود که باور سیاسی معتصم (ح ۲۱۸-۲۲۷ ق) و همه خلفای عباسی پس از او آمیخته‌ای از پذیرش خلفای راشدین و ترتیب خلفا به همان شکلی بود که اهل حدیث به آن قائل بودند. (ابن جوزی، المنتظم، ۱۱/ ۳۶۱) از سوی دیگر مخالفت با فضائل علی (ع) در این دوره آرام‌آرام، تنها از مشخصه‌های خوارج شد و محدثان کوشیدند از حوزه باورهای خوارج دور به‌مانند.

(جاحظ، ۲۰۰۳: ۵۶۲/۶)

چهارم) علاقه ابن حنبل به اهل بیت (ع)

پیوند قلبی احمد بن حنبل به اهل بیت پیامبر (ص)، در کتاب فضایل او آشکار است. او بخشی از کتاب را به بیان ویژگی‌های اهل بیت پیامبر؛ به‌ویژه علی (ع) حضرت زهرا (س) و حسنین (ع) اختصاص داده است. وی در فضایل امام گفته آورده است: «پیامبر فرمود هر کس که من مولای اویم پس علی نیز مولای اوست» (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ ق: ۵۶۳) در همین کتاب روایتی دیگر نقل می‌کند که پیامبر به علی (ع)، زهرا (س) و حسنین (ع) نگرست و گفت: «من در جنگم با هر کسی که با شما در جنگ است و در آشتی‌ام با هر کسی که با شما در صلح است» (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ ق: ۷۶۷) وی چندین بار علی (ع) را با عنوان «امام عادل» یاد کرده و شورشیان شام علیه او را «سرکش» نام می‌برد یا در جای دیگر کتاب حضرت زهرا (س) را سرور زنان اهل بهشت می‌داند. (همان، ۱۴۰۳ ق: ۷۶۱) همچنین حدیث منزلت، سد ابواب و احادیث دیگری در خصوص علی (ع) در این کتاب موجود است. او در کتاب «شرح السنه» در خصوص خلفای چهارگانه می‌گوید: «غیر از خیر در مورد آنان نمی‌توان گفت» (بربهاری، ۱۴۲۸ ق: ۱۲۳) در کتاب الصواعق المحرقة حدیثی از ابن حنبل در خصوص علی (ع) آمده است به این مضمون: «روزی رسول خدا در جست‌وجوی من بود، مرا در بستان و باغچه‌ای یافت و فرمود: برخیز که به خدا قسم خشنودت می‌کنم. تو برادر من و پدر فرزندان من هستی تو بر اساس سنت و روش من خواهی جنگیدی... هر که با عهد و پیمان تو بدرود حیات گوید به ثمره کوشش خود رسیده است» (هیتمی مکی، ۱۳۱۲ ق: باب ۷۵/۹) افزون بر آن، عبدالله (فرزند احمد بن حنبل) از پدرش نقل می‌کند که: «پدرم حدیث سفینه را نقل می‌کرد. گفتم «درباره تفضیل چه می‌گویی؟ گفت درباره خلافت ابوبکر، عمر و عثمان؟!». گفتم و علی بن ابی‌طالب؟ گفت: ای فرزندم علی بن ابی‌طالب از اهل بیت است؛ هیچ کس را نمی‌توان با آنان مقایسه کرد» (زعتری، ۱۴۳۱: ۳/۵۰۵؛ ابوزهرة، ۱۳۶۷ ق: ۱۳۶) احمد، مجموعه‌ای از احادیث حسان (که طرق روایت و به صورت‌های گوناگونی نقل شده بود) را تنها درباره فضل علی (ع) گردآورد. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۳۶۸) دقیقاً مشخص نیست که ابن حنبل نخستین بار در کدام کتاب از اندیشه تربیع صحبت کرده است؛ اما آنچه مهم است این اندیشه و تأثیر آن بر همگرایی جامعه است. وی درباره علی (ع) آشکارا می‌گفت: «علی [ع] پس از آن‌ها امام

عادل است و امامت او ثابت و احکامش نافذ است و سزاوارترین مردم به خلافت است و این‌ها امامان هدایت‌اند.» هم‌چنین او کسی را که علی را خلیفه نمی‌دانست دشنام می‌داد و می‌گفت: «اصحاب پیامبر او را امیرالمؤمنین می‌خواندند.» (عبدالله بن احمد، ۱۴۲۴ ق: ۲۳۵) در شرح این باور از او نقل شده است که اعلام کرد: «هر کس حضرت علی (ع) را به‌عنوان خلیفه چهارم نپذیرد، با او ازدواج و صحبت نکنید» (ابن قدامه، [بی‌تا]: ۷/ ۳۷۹) و هم‌چنین ابوزهره از احمد بن حنبل نقل می‌کند که: «کسی که مقام خلافت علی (ع) برایش اثبات نشده است شأنش از الاغ خانه‌اش کمتر است» (ابوزهره، ۱۳۶۷ ق: ۱۳۶)

شایسته ذکر است ابن حنبل در کتاب مسند خود حدود ۷۸۰ حدیث در مورد علی (ع) آورده است. نقل مسند علی (ع) با این حجم و گستردگی از اولین اقداماتی بود که درباره علی (ع) صورت گرفت هم‌چنین ۱۰ حدیث در خصوص فاطمه (س)، و به‌ترتیب ۱۲ و ۸ حدیث در مورد حسنین (ع) در این کتاب موجود است. همین توجه ابن حنبل به فضایل اهل‌بیت باعث شد علمای شیعه در قرون بعد مانند ابن شهرآشوب، ابن طاووس، ابن به‌طریق، اربلی، علامه حلی و علامه مجلسی از کتاب مسند او در باب فضایل ائمه استفاده‌های وافری ببرند. (داداش نژاد، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۹). گفتنی است احمد بن حنبل معاصر چهار تن از امامان تشیع از کاظم (ع) تا هادی (ع) بود اما در منابع تاریخی اطلاعات زیادی در خصوص تعامل ابن حنبل با ائمه شیعه در دسترس نیست. البته شیخ طوسی در کتاب رجال خود او را از جمله اصحاب امام رضا (ع) دانسته است (طوسی، ۱۳۸۰ ق: ۳۶۷). آنچه مهم است اینکه گروه محدثان در این دوره معمولاً منظورشان از اهل‌بیت همان پنج تن آل‌عباست و سایر ائمه را در این دایره وارد نمی‌کردند. از نظر اخلاقی نیز ابن حنبل هیچ‌گاه در راه رفتن، از سادات و حتی از قریشیان، چه پیر و چه جوان، پیشی نمی‌گرفت (باقری، ۱۳۸۴: ۵۷). او وقتی به سلسله روایتی می‌رسید که همه استادان آن از ائمه شیعه بودند می‌گفت: «این اسناد اگر بر دیوانه‌ای خوانده شود شفا می‌یابد» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۳/ ۴۳۱) این روایت‌ها از علاقه او به خاندان وحی حکایت می‌کند. با این همه حتی زمانی که به سامرا نزد متوکل رفت، پیرو سیاست اهل حدیث، هیچ سراغی از امام هادی (ع) نگرفت. (فلاح زاده، ۱۳۹۸، ۳۳۱-۳۴۷) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد، گرچه وی به نظریه چهارخلیفگی (تربیع) معتقد بود، اما نام «تربیع» را بعدها

هم‌مکتبی‌هایش بر نظریه او نهادند. (ابن ابی یعلی، ۱۴۱۷، ۴۵/۱) شایسته درنگ است، در این دوره گرچه متون حدیثی به اهل‌بیت با دیده احترام می‌نگریستند اما تنها کسی که تلاش کرد تا نظریه پذیرش خلافت به حق علی (ع) را از سوی شبکه محدثان به جامعه و دربار تزریق نماید، احمد بن حنبل بود.

پنجم) تأثیرگذاری برخی استادان احمد بن حنبل بر او

طرح اندیشه تربیع از سوی احمد بن حنبل، تا حدودی وامدار برخی از استادانش بود. وی، مدتی نزد شافعی (۲۰۴-۱۴۶ ق) حدیث آموخت که خود از دوستداران اهل‌بیت بود و همین دوره فراگیری، در طرح این اندیشه بی‌تأثیر نبود. چنان‌که شافعی در دیوانش، خلفای راشدین را چهار نفر - ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) می‌دانست. (شیرازی شافعی، ۱۴۰۱ ق: ۷۱؛ ابوزهره، ۱۳۹۵: ۲۵) وی، درباره اختلاف بین علی (ع) و معاویه حق را به جانب امام می‌دهد و معاویه و یارانش را گروه باغی به شمار می‌آورد. به همین خاطر در کتاب سیرت خود روش برخورد امام با «اهل بغی» را به‌عنوان حجت شرعی یادآوری می‌کرد. (ابوزهره، ۱۳۹۵: ۱۴۲) چکامه‌های منتسب به او مانند این شعر: «اگر محبت و دوستی خاندان محمد به‌منزله رافضی گری است، سپس دو گروه جن و انس گواه باشند من رافضی‌ام» یا سروده دیگرش: «هرگاه در مجلسی باشیم که از علی، حسنین و فاطمه پاک یاد کنیم؛ گفته می‌شود از این‌ها بگذرید ای قوم زیرا این سخن رافضی است؛ بیزاری می‌جویم به‌سوی خداوند مهیمن از مردمانی که دوستداری فاطمه را رافضی بودن می‌دانند» او را در ردیف عاشقان اهل‌بیت قرار می‌دهد. (دیوان اشعار شافعی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸؛ ۹۳) جالب اینکه احمد بن حنبل روایتی از شافعی نقل می‌کند که دانشی که شافعی از حدیث بدان دست یافت، برآمده از کرامتی بود که علی (ع) در خواب به وی نمود. (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۲/۸) یکی دیگر از استادان احمد بن حنبل، وکیع بن جراح کوفی (م ۱۹۷ ق) مناقب علی (ع) را بر عثمان مقدم می‌شمرد. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق: ۹/۱۴۰) هم‌چنین احمد در کتاب فضایل الصحابه برخی احادیثی را که در وصف علی (ع) است را از روایانی مانند یحیی بن آدم، نقل می‌کند و این بدان معنی است که او نیز میلی به این جریان داشت. ارادت احمد بن حنبل به علی (ع) آن‌سان بود که وقتی شنید استادش، ابوشعیب صلت بن دینار، به علی (ع) دشمنی می‌ورزد، او را ترک کرد (سمعانی، همان، ۴۳۱/۱۳).

بخشی دیگر از پیش‌زمینه‌های ذهنی احمد بن حنبل برای پذیرش تربیع، گفتمان عدالت صحابه و یا کتمان مثالب آن‌ها بود که دست‌کم مالک بن انس این موضوع را ذکر کرده بود. (مالک بن انس، ۱۴۲۵ ق: ۸۴/۶) او در راستای اثبات نظریه عدالت صحابه، که پیش‌زمینه یکسان‌سازی جامعه هواداران اهل حدیث بود، سیصد روایت در فضل علی (ع) را در کتاب فضل الصحابه گرد آورد که بسیاری از این روایات، به‌روشنی باورهای امامیه را پشتیبانی می‌کرد. (احمد بن حنبل، ۱۴۳۰، ۹۰۶-۶۹۵/۲) بعدها جامعه حدیث همین نظریه را در قالب حدیث «عشره مبشره» ارائه نمود تا نزاع میان صحابه به فراموشی سپرده شود و چهره‌ای صمیمی از ایشان ترسیم گردد. (ابن شاذان، ۱۳۶۳ ش: ۳۱۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ۴۱۹/۳۶؛ ابوداود، ۱۴۲۰: ۱۹۸۸/۴؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۴۶۴/۵) در حالی که این حدیث در مسند احمد بن حنبل و سنن ترمذی نقل شده و در منابع مهم حدیثی اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم نیامده و گزارش‌های تاریخی معارض آن فراوان است. چینش شخصیت‌ها در روایت ده مرد بهشتی (عشره مبشره) دقیقاً با اولویت ترتیب خلفای راشدین بود. (ابن هشام، [ابی‌تا]، ۶۳۱/۲؛ ابوحیان توحیدی، ۱۹۹۹/۱۴۱۹، ۲۴۴/۶) از آنجا که شماری از محدثان از یک قرن پیش، به نگارش و نشر فضائل علی (ع) پرداخته بودند که یکی از آن‌ها اعم (۱۴۸-۶۱ ق) نام داشت، (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ۱۸۶/۷) می‌توان نظریه تربیع، را حاصل اندیشه‌های این طیف از محدثان دانست که بعدها از سوی مکتب احمد بن حنبل رهبری شده‌اند.

نششم) رواج گفتمان تربیع در میان محدثان عصر احمد ابن حنبل

درست در زمان حیات احمد بن حنبل به مثابه یکی از چهره‌های اهل حدیث، راویانی در شبکه حدیث‌گرایان قرار می‌گرفتند که آن‌ها به نظریه تربیع باور داشتند. محدثان بزرگی در دمشق همچون احمد بن ابی‌حواری (د ۲۳۰ ق) ابراهیم بن هشام غسانی (د ۲۳۸ ق) هشام بن عمار بن نصیر سلمی (۲۴۵-۱۵۳ ق) محمود بن خالد بن یزید (د ۲۴۹ ق) هارون بن محمد بن به کار بن بلال، محمد بن یحیی بن حمزه حضرمی، ابوعامر موسی بن عامر (د ۲۵۵ ق) از همین جمله بودند. (غسانی، ۱۹۹۴: ۴۳) اما آنچه سبب شد این نظریه به نام احمد ثبت شود مأموریت اصلی او در نشر این باور در میان درباریان بود که با نزدیک شدن به متوکل و سپس به‌دست گرفتن زمام امور اهل حدیث، وی توانست روایت‌هایی را نقل نماید که در گذشته جرم به شمار می‌رفت. این حدیث نبوی

یکی از آن نمونه‌ها بود که به‌وسیله وی در سامرا پخش می‌شد: «هر کس مرا (پیامبر) و این حسین و پدر و مادرشان را دوست بدارد در قیامت همنشین من خواهد بود». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۸۹/۱۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸/۱۲) ترمذی (۲۷۹-۲۰۹ ق) نیز روایتی نقل می‌کند که مشخصاً نظریه تربیع در آن دیده می‌شود. (ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ۱۹۶/۲) معاصر او بخاری (د ۲۵۶ ق) نیز با روایتی که حاوی مفهوم تربیع است، این گفتمان را در عصر احمد بن حنبل تأیید می‌کرد. (بخاری، ۱۴۱۰، ۱۱۶/۶) قبلاً، ابن سعد (د ۲۳۰ ق) در طبقات از صد و چهار راوی نام می‌برد که همگی از علی (ع) نقل حدیث می‌کردند. این یعنی علی (ع) یکی از سرسلسله‌های شبکه حدیث در عصر پیارسول‌الله (ص) بود که شایستگی او را نمی‌شد نادیده گرفت. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۶-۲۵۹) گزارشی ابوالفرج اصفهانی با چهار طبقه روایی از یک رویداد در مدینه، حکایت از باور به اندیشه تربیع در میان اهل مدینه لاقلاً یک سده پیش از او دارد. (۱۴۱۵: ۲۲/۳) نویسندگان نزدیک به دربار نیز تلاش می‌کردند، عباسیان را حامیان نظریه چهارخلیفگی (تربیع) نشان دهند. (مؤلف مجهول، ۱۳۹۱: ۱۱۶) در متون معاصر احمد بن حنبل، گزارش‌های شبه تربیع در تأیید اندیشه چهار خلیفه برحق به چشم می‌خورد که سابقه این اندیشه را به دوره عمر بن عبدالعزیز بازمی‌گرداند. (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۱۳۸/۲) گرچه اندیشه تربیع قبل از احمد بن حنبل وجود داشته است؛ اما فردی مانند ابن حنبل با جدیت به این موضوع نپرداخته و او بود که با وام‌گیری از گذشته در نهادینه کردن این اندیشه به‌دلیل جایگاه ویژه‌اش در دربار متوکل به مثابه پیشوای مذهب اهل حدیث نقش اساسی داشت، به‌ویژه آنکه مکتب فکری او از سوی شاگردانش که امور دینی عباسیان را پس از او اداره می‌کردند، تداوم یافت.

برآیند و یک پیشنهاد

کشمکش‌های سیاسی و فرقه‌ای میان مسلمانان پس از امویان با محوریت پیامدهای جنگ‌های جمل و صفین و شکل‌گیری جریان عثمانیه نقش مهمی در نپذیرفتن خلافت علی (ع) به‌عنوان خلیفه چهارم در بین جامعه اسلامی داشت. با سقوط امویان و شکل‌گیری عباسیان، نخستین رگه‌های، پذیرش علی (ع) به مثابه خلیفه چهارم، از سوی طیف وسیعی از فقیهان، محدثان و متکلمان مطرح شد. در خلال این گفتگوها احمد بن حنبل با ایده همسو کردن مسلمانان و

گردآوردن آنان زیر نظر تعالیم اهل حدیث نظریه تربیع را گسترش داد و از آنجا که با افول معتزله، وی از سوی متوکل، امام اهل حدیث و مرجع مورد حمایت دربار بود، توانست که به دربار متوکل نزدیک شده، این گفتمان را در پایتخت عباسی و سایر شهرها گسترش نماید. او پیش‌تر متأثر از نظریه اجماع که جامعه حدیث آن را پذیرفته و نشانه حقانیت گروه بزرگ‌تر از مسلمانان می‌دانستند، با طرح عدالت صحابه و نگارش کتاب‌هایی در این باره، سعی در همسویی باورهای جهان اسلام به‌ویژه شاخه معروف به اهل سنت داشت. انگیزه‌های او برای برون‌رفت از آشوب‌های سیاسی، خلأ فکری برآمده از نپذیرفتن امام علی (ع) به‌عنوان جانشین بر حق، جنبه‌های عمومی پشتیبانی او از این نظریه بودند. اما در جنبه شخصی، وی به‌عنوان محب اهل بیت و تأثیرپذیر از افرادی مانند شافعی، ایده اندیشه تربیع را برای وحدت و انسجام اسلامی برجسته نمود. طرح این اندیشه تأثیر بسزایی در رفع اختلافات و تفرقه بین گروه‌های اسلامی ایفا کرد. پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌هایی معطوف به میزان تأثیرگذاری اندیشه تربیع در تقریب جوامع اسلامی معاصر با رویکرد الگو یابی، از سوی مراکز تحقیقی تاریخ اسلام برای شناخت راهکارهای جدید تقریبی، صورت بپذیرد.

پی‌نوشت:

۱. واژه «عثمانیه» در شماری از منابع تاریخی، اشاره به بازماندگان خاندان عثمان دارد نه فرقه مذهبی یا تفکر عثمانی‌گری. نک: (فارسی، ۱۴۰۳: ۲۵۹)

منابع و مطالعات

- آقانوری، علی، ۱۳۸۴، «زمینه‌های سیاسی اجتماعی اوج و فرود تفکر اعتزال»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه، شماره ۱۵، سال چهارم.
- ابن ابی الحدید، ۱۳۲۸ ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه.
- ابن ابی العز الحنفی، ۱۴۱۸ ق، تهذیب شرح العقیده الطحاویه، تحقیق عبدالمنعم مصطفی حلیمه، بیروت: دارالبیاق.
- ابن ابی یعلی، محمد، ۱۴۱۷ ق، طبقات الحنابلہ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر.
- ابن اعثم، ۱۴۱۱ ق، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.

- ابن حبيب، محمد، المحبر، تحقيق شتير، ايلزه ليختن، بيروت: دار الآفاق الجديده، چاپ اول.
- ابن حجر هيثمي مكي، ١٣١٢ ق، الصواعق و المحرقه في الردّ على اهل البدع و الزندقه، مصر: مطبعه ميمنيه.
- ابن الحجّه، تقى الدين ابوبكر، ١٤٢٦ ق، ثمرات الاوراق، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: المكتبه العنصرية.
- ابن جوزى، ابوالفرج، ١٩٩٢/١٤١٢، المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، ط الأولى.
- ابن سعد، محمد، ١٤١٠، طبقات الكبرى، تحقيق: عطا، محمد عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب، محمد، ١٣٧٣، مناقب آل ابى طالب، قم: انتشارات علامه.
- ابن عبد البر، يوسف، ١٤١٢، الإستيعاب فى معرفه الأصحاب، تحقيق على محمد بجاوى، لبنان: دار الجيل، چاپ اول.
- ابن عديريه، احمد، ١٤٠٤، العقد الفريد، تحقيق مفيد محمد قميحه، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ابن عساكر، على بن حسن، ١٤١٥، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت: دارالفكر، چاپ اول.
- ابن عنيه، احمد بن على، ١٣٨٠ ق، احمد بن على، عمده الطالب فى أنساب آل أبى طالب، نجف: المطبعه الحيدريه.
- ابن طاووس، احمد بن موسى، ١٤١١ ق، بناء مقاله الفاطميه فى نقض الرساله العثمانيه، تحقيق على عدنانى غريفي، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- ابن قتيبه دينورى، ١٩٩٠/١٤١٠، ابومحمد، الإمامه و السياسه، تحقيق على شيرى، بيروت: دارالأضواء، ط الأولى.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، بى تا، المغنى، بيروت: دارالكتاب العربى.
- ابن ماجه، محمد، ١٤١٨ ق، سنن ابن ماجه، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت: دار الجيل، چاپ اول.
- ابن هشام، عبدالملك، [بى تا]، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: دارالمعرفه.
- ابوحيان توحيدى، ١٩٩٩/١٤١٩، البصائر و الذخائر، تحقيق و داد قاضى، بيروت: دار صادر.
- ابوداوود، سليمان بن اشعث، ١٤٢٠، سنن أبى داوود، تحقيق ابراهيم سيد، قاهره: دارالحديث، چاپ اول.
- ابوزهره، محمد، ١٣٦٧ ق، ابن حنبل حياته و عصره - آراوه و فقهه، قاهره: دارالفكر العربى.
- ، ١٣٩٥، اصول و آراء فقهي امام شافعى، ترجمه على آقا صالحى، تهران: نشر احسان.
- احمد بن حنبل، ١٤٠٣ ق، فضائل الصحابه، حققه و خرج احاديث وصى الله بن محمد عباس، الجزء الاول، مکه المكرمه: مؤسسه الرساله.
- ، ١٤٣٠ ق، فضائل الصحابه، تحقيق عباس، وصى الله بن محمد، قاهره: دار ابن الجوزى، چاپ چهارم.
- ، ١٤١٦، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق عامر غضبان و ديكران، بيروت: مؤسسه الرساله،

چاپ اول.

احمدی، عبد الله بن سلمان، ۱۴۱۶، المسائل و الرسائل المرویه عن الإمام أحمد بن حنبل فی العقیده، ریاض: دار طیبه، چاپ دوم.

اشعری، ابوالحسن، ۱۴۰۰ ق، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان: فرانس شتاینر، چاپ سوم.

اصفهانی، ابوالفرج، ۱۴۱۵/۱۹۹۴، الاغانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.

-----، ۱۳۸۰، مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

انصاری، حسن، ۱۳۷۶ ش، «احمد بن حنبل»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران.

الایجی، عبدالرحمن بن احمد، بی تا، المواقف فی علم الکلام، بیروت: عالم الکتب.

باقری، ابوالحسن، ۱۳۸۴، اهل بیت از دیدگاه اهل سنت، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰، صحیح البخاری، قاهره: وزاره الاوقاف، چاپ دوم.

بربهاری، حسن بن علی، ۱۴۲۸ ق، شرح السنه، ریاض: درالصمیمی.

ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ ق، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، تحقیق شاکر، احمد محمد، قاهره: دارالحدیث.

ثعالبی، ابومنصور، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، یتیمه الدهر، تحقیق مفید محمد قمحیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جاحظ، ابوعثمان، ۱۴۲۴/۲۰۰۳، الحیوان، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.

جعفریان، رسول، ۱۳۷۹، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت»، مجله هفت آسمان، شماره پنجم، سال دوم.

حنبل، عبدالله بن احمد، ۱۴۲۴، السنه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

خضری، سید احمد رضا، ۱۳۸۶، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران: سمت.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

داداش نژاد، منصور، ۱۳۹۵، سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت از آغاز تا پایان سده دوازدهم قمری، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دینوری، ابو محمد کاتب، ۱۴۰۵ ق، الاختلاف فی اللفظ و الرد علی الجهمیه و المشبهه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

ذهبی، شمس‌الدین محمد، ۱۹۹۳/۱۴۱۳، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ط الثانیه.

-----، ۱۴۱۹ ق، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.

رذابی خوراسگانی، علی، کیانیپور، مهدی، ۱۳۸۸، «جامعه شناسی احساسات»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲، تابستان. صفحات ۳۵-۶۴.

زبیر بن به کار، ۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۴ ش، الأخبار الموقفیات، تحقیق سامی مکی العانی، قم: شریف رضی، چاپ اول.

- الزبیدی، فائق محمد حسین، ۲۰۲۰ م / ۱۴۴۱ ق، التنظیف السياسي الفكر الديني في العصر العباسي من ۱۳۳-۲۴۷ هـ / ۷۴۹-۸۶۱ م، رساله دکتری تاریخ فلسفه، استاد راهنما غنیه یاسر کباشی، بغداد، دانشگاه ابن رشد.
- زعتری، اسعد بن فتیح، ۱۴۳۱ ق، الآثار الواردة عن السلف في العقيدة من خلال كتب المسائل المرويه عن الام احمد، رياض: مكتبه المعارف للنشر و التوزيع.
- سبکی، تاج‌الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی، [بی‌تا]، الطبقات الشافعيه الكبرى، تحقیق محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد الحلو، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- سمعانی، ابوسعید، ۱۳۸۲ ق، الأنساب، تحقیق عبدالرحمن معلمی، حیدرآباد: دائره‌المعارف العثمانيه، چاپ اول.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۱۷، تاریخ الخلفاء، تحقیق ابراهیم صالح، دمشق: دار البشائر، چاپ اول.
- ، [بی‌تا]، تاریخ الخلفاء، حقه قاسم الشماعی، بیروت: دارالقلم.
- شافعی، محمد بن ادريس، ۱۴۱۴ ق، دیوان الاشعار، جمعه و حقه امیل بدیع یعقوب، بیروت: دارالکتب العربی.
- شریف مرتضی، ۱۴۱۰ ق، الشافی فی الإمامه، تهران: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
- شیبانی، اسحاق، ۱۹۷۵، کتاب الجیم، تحقیق ابراهیم آبیاری، قاهره: الهیئه العامه لثئون المطابع الامیریه، چاپ اول.
- شیرازی شافعی، ابی اسحاق، ۱۴۰۱ ق، طبقات الفقها، حقه و قدم له احسان عباس، بیروت: دارالراید العربی.
- صابری، حسین، ۱۳۸۴، تاریخ فرق اسلامی، جلد اول، تهران: سمت.
- صالح، صبحی، محمد بن حسین شریف رضی، ۱۴۱۴، نهج‌البلاغه، تحقیق فیض الاسلام، قم: هجرت، چاپ اول.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۱ ق، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۰ ق، رجال الطوسی، نجف: مطبعه الحیدریه.
- غزالی، ابی حامد، ۱۴۲۱ ق، الاقتصاد فی الاعتقاد، قدم و علق علیه الدكتور علی بوملحم، بیروت: دار مکتبه الهلال.
- غسانی، ابوالحسن محمد، ۱۹۹۴ م، نوادر الرسائل ۵، کتاب اخبار و حکایات، تحقیق ابراهیم صالح، دمشق: دار البشائر، چاپ اول.
- فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل، ۱۴۰۳، تاریخ نیشابور، خلاصه کننده، صریفینی، ابراهیم بن محمد، گردآوری محمد کاظم محمودی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۹، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم.
- فضل بن شاذان، ۱۳۶۳ ش، الايضاح، تحقیق سید جلال‌الدین ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاح زاده، احمد، ۱۳۹۸، تعامل امامیه با سایر فرق مسلمان در عصر عسکریین (ع)، رساله دکتری، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران.

کثیر، حافظ، ۱۴۱۱ ق، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف.
 لاوست، بی تا، «احمد بن حنبل»، دانشنامه ایران و اسلام، جلد ۱۰، تهران.
 مالک بن انس، ۱۴۲۵، الموطاء، تحقیق اعظمی، محمد مصطفی، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان
 للأعمال الخیریة و الإنسانیة.
 محاسبی، ابو عبدالله، ۱۹۸۶ م / ۱۴۰۶ ق، الوصایا، تحقیق عبدالقادر أحمد عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ
 اول.

مسعودی، ابی الحسن علی بن حسین بن علی، ۱۴۰۹ ق، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دارالهجره.
 مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ ق، صحیح مسلم، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحديث.
 معوض، علی محمد؛ ۱۴۲۰ ق، عبدالموجود، عادل احمد، تاریخ التشریح الاسلامی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 مقدسی، أبو عبد الله، ۱۹۹۱/۱۴۱۱، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، القاهره: مکتبه مدبولی، الطبعة الثالثة.
 مقدسی، مطهر بن طاهر، [بی تا]، البدء و التاریخ، بور سعید: مکتبه الثقافه الدینیة.
 مقدمی بصری، محمد بن احمد، ۱۴۲۸ ق، التاریخ و أسماء المحدثین و کناهم، تحقیق: عبدالخفاجی، ثامر کاظم،
 قم: کتابخانه آیت الله مرعشی (ع)، چاپ اول.

مؤلف مجهول، ۱۳۹۱، اخبار الدوله العباسیه، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطلیعه.
 میرزایی، علیرضا، ۱۳۹۶، احمد بن حنبل و اهل بیت، تهران: نشر مشعر.
 نشار، علی سامی، ۱۴۱۶ ق، نشاء الفکر الفلسفی فی الاسلام، قاهره: دارالمعارف.
 نصرالله، جواد کاظم، ۲۰۱۳/۱۴۱۳، الامام علی (ع) فی فکر معتزله البصره، البصره: دار الفیحاء.
 نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،
 چاپ دوم.

واقدی، محمد بن عمر، ۱۹۹۰/۱۴۱۰، کتاب الردة، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ط
 الأولى.

وکیع، محمد بن خلف، اخبار القضاة، تحقیق لحام، سعید محمد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۲، چاپ اول.
 ولوی، علی محمد، ۱۳۶۷، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات بعثت.
 هدایت پناه، محمدرضا، ۱۳۸۱، بازتاب تفکر عثمانی در حادثه کربلا، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، شماره
 ۳۳.

هشپاری، ابی عبدالله محمد بن عبدوس، ۱۴۲۴ ق، الوزراء الکتب، حقه و وضع فهارسه مصطفی السقاء، ابراهیم
 الایاری، عبدالحفیظ شلبی، قاهره: الهیه العامه لقصور الثقافه.
 یاقوت، ابو عبدالله، ۱۹۹۵ م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ط الثانية.
 یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۴۱۹ ق، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

Karaağaç, hilmi, Kaderiyye/mutezile mecüsilikle ithamın teolojik arkaplını, Kelam araştırmaları 13:1(2015), SS. 191-212.

Marcus, Gorge, Emotions in politics, June 2000 Annual Review of Political Science 3(1): 221-250

May, Samantha, Erin K. Wilson, Claudia Baumgart-Ochse & Faiz Sheikh, The Religious as Political and the Political as Religious: Globalisation, Post-Secularism and the Shifting Boundaries of the Sacred, Journal Politics, Religion & Ideology , Vol.15, 2014 - Issue ۳.

İPEK, İbrahim, DİN-SİYASET-İLİŞKİSİ-DÜNÜ-BUGÜNÜ-GELECEĞİ, Toplum ve Kültür Araştırmaları Dergisi, Yıl 2018, Cilt , Sayı 2, Sayfalar.

References and Bibliography

- Aghanouri, Ali, 2014, "Social and political contexts of the peak and decline of Etzal thinking", Hikmat and Philosophy Research Journal, No. 15, Year 4. [In Persian]
- Ibn Abi al-Hadid, 1378 A.H. Commentary on Nahj al-Balagha, researched by Muhammad Abulfazl Ibrahim, Beirut: Darahiya al-Kitab al-Arabiya. [In Arabic]
- Ibn Abi al-Ezz al-Hanafi, 1418 A.H. "Tahzib Sharh al-Aqeedah al-Tahawiyya", researched by Abd al-Moneim Mustafa Halimah, Beirut: Dar al-Biyaq. [In Arabic]
- Ibn Abi Ya'ali, Muhammad, 1417 AH, Tabaqat al-Hanablah, Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya. [In Arabic]
- Ibn Athir, Izz al-Din, 1385 AH / 1965 AD, al-Kamal fi al-Tarikh, Beirut: Dar al-Sadr. [In Arabic]

- Ibn Atham al-Kufi, 1411 A.H. al-Futuh, research by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
- Ibn Habib, Muhammad, Al-Muhabr, researched by Schetter, Ilze Lichten, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadideh, first edition.
- Ibn Hajar Hitami Makki, 1312 A.H. Al-Sawa'iq and Al-Muharqa in response to Ahl al-Bidaa and Al-Zindaqah, Egypt: Maimaniyah Press. [In Arabic]
- Ibn al-Hajjah, Taqi al-Din Abu Bakr, 1426 AH, Samrat al-Awaraq, researched by Muhammad Abul Fazl Ibrahim, Beirut: Al-Maktabeh Al-Rashniyyah. [In Arabic]
- Ibn Juzi, Abu al-Faraj, 1412/1992, al-Muntazem fi Tarikh al-Unhum wa al-Muluk, researched by Muhammad Abdul Qadir Atta and Mustafa Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, Vol. I. [In Arabic]
- Ibn Saad, Muhammad, 1410, Tabaqat al-Kabri, research: Atta, Muhammad Abdul Qadir, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, Muhammad Ali Bizoun pamphlets, first edition. [In Arabic]
- Ibnshahrashob, Muhammad, 1373, Manaqib Al Abi Talib, Qom: Allameh Publications.
- Ibn Abd al-Barr, Yusuf, 1412, Al-Istiyab fi Ma'rafa al-Sahhab, research by Ali Muhammad Bejawi, Lebanon: Dar Al-Jeel, first edition. [In Arabic]
- Ibn Abd Rabbah, Ahmad, 1404, Al-Aqd al-Farid, useful research of Muhammad Qomiha, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Asaker, Ali Ibn Hasan, 1415, History of Madinah Damascus, Research by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr, first edition. [In Arabic]
- Ibn Anba, Ahmad bin Ali, 1380 AH, Ahmad bin Ali, the major scholar in the Ansab of the family of Abi Talib, Najaf: al-Matababa al-Haydriya. [In Arabic]

- Ibn Tавus, Ahmad Ibn Musa, 1411 A.H. Banaa al-Maqala al-Fatimiyah in violation of al-Rasalah al-Uthmaniyah, research by Ali Adnani Gharifi, Qom: Al-Al-Bayt Institute for Revival of Tradition [In Arabic]
- Ibn Qutaiba Dinuri, 1990/1410, Abu Muhammad, Imamate and Politics, researched by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Awtah, vol. 1. [In Arabic]
- Ibn Qudama, Abdullah bin Ahmad, Beita, Al-Mughani, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]
- Ibn Majah, Muhammad, 1418 A.H. Sunan Ibn Majah, research by Bashar Awad Ma'rouf, Beirut: Dar Al-Jeel, first edition. [in unpublished]
- Ibn Hisham, Abd al-Malik, Al-Sirah al-Nabiwiyyah, researched by Mustafa al-Saqqah, Ibrahim al-Abiyari and Abd al-Hafiz Shalabi, Beirut: Dar al-Marafa. [unpublished], [In Arabic]
- Abuhian Tawhidi, 1999/1419, Al-Basair and Al-Zha'er, Research and Dad Ghazi, Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Abu Dawud, Suleiman bin Ash'ath, 1420, Sunan Abi Dawud, researched by Ibrahim Seyyed, Cairo: Dar al-Hadith, first edition. [In Arabic]
- Abu Zahra, Muhammad, 1367 A.H. Ibn Hanbal Hayate and Asra-Arawah and Fiqh, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi. [In Arabic]
- Abu Zahra, Muhammad, 1395, Imam Shafi'i's jurisprudential principles and opinions, translated by Ali Agha Salehi, Tehran: Ehsan Publishing. [In Arabic]
- Ahmad Ibn Hanbal, 1403 AH, The Virtues of the Companions, Haqqa and Kharj of the Hadiths of Wasi Allah ibn Muhammad Abbas, Part 1, Makkah Al-Mukarmah: Al-Rasalah Institute. [In Arabic]

- Ahmad Ibn Hanbal, 1430 AH, Fadael al-Sahhabah, research by Abbas, Wasiullah bin Muhammad, Cairo: Dar Ibn Al-Jawzi, fourth edition. [In Arabic]
- Ahmad Ibn Hanbal, 1416, Musnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal, research by Amer Ghadban and others, Beirut: Al-Rasala Institute, first edition. [In Arabic]
- Ahmadi, Abdullah bin Salman, 1416, Al-Masail and Al-Rashee al-Marawiyah from Imam Ahmad bin Hanbal in al-Aqeedah, Riyadh: Dar Tayyaba, second edition. [In Arabic]
- Ash'ari, Abu al-Hasan, 1400 AH," Maqalat al-Islamiyyin wa Ikhtilfa al-Musallin (The Discourses of the Proponents of Islam and the Differences Among the Worshippers) ", Germany: Franz Steiner, third edition. [In Arabic]
- al-Iṣfahānī, Abū al-Faraj ‘Alī ibn al-Ḥusayn ibn Muḥammad,1415/1994, Kitab al-Aghani ("The Book of the Songs"), Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi, first edition. [In Arabic]
- al-Iṣfahānī, Abū al-Faraj ‘Alī ibn al-Ḥusayn ibn Muḥammad, ۱۳۸۰, Maqātil al-Ṭālibīyīn ("The Ṭālibid Martyrs") translated by Seyyed Hashem Rasouli Mohlati, Tehran: Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
- Ansari, Hassan, 1376, "Ahmad bin Hanbal", the great Islamic encyclopedia, Tehran. [In Persian]
- Al-Aji, Abd al-Rahman bin Ahmad, Beita, Al-Satishee fi Alam al-Kalam, Beirut: Alam al-Katb. [In Arabic]
- Bagheri, Abulhasan, 2014, Ahl al-Bayt from the perspective of Sunnis, Qom: Publications of the World Center for Islamic Sciences. [in Persian]
- Bukhari, Muhammad bin Ismail, 1410, Sahih al-Bukhari, Cairo: Ministry of Endowments, second edition.

- Barbahari, Hasan bin Ali, 1428 AH, Sharh al-Sunnah, Riyadh: Dar al-Sami'i. [In Arabic]
- Dadash Nejad, Mansour, 2015, The Image of the Twelve Imams in the Written Heritage of Sunnis from the Beginning to the End of the 12th Lunar Century, Qom: Publications of the Islamic Culture and Science Research Center. [In Persian]
- Dinouri, Abu Muhammad Katib, ۱۴۰۰AH, Al-Dikhil fi al-Faz and Arrad Ali Al-Jahmiyyah and Al-Mushhabhah, Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya, first edition. [In Arabic]
- Dhahabi, Shams al-Din Muhammad, 1413/1993, Tarikh al-Islam, researched by Omar Abd al-Salam Tadmari, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, Ta al-Thaniyyah.
- Dhahabi, Shams al-Din Muhammad, 1419 A.H. Sir Al-Nabalah, Beirut, Al-Rasalah Institute
- Tirmidhi, Muhammad Ibn Isa, 1419 A.H. Al-Jamae al-Sahih and Hu Sunan al-Tirmidhi, researched by Shakir, Ahmad Muhammad, Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Thaalabi, Abu Mansour, 1403 AH / 1983 AD, Yatimeh al-Dahr, useful research of Mohammad Qomhiya, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Jahiz, Abu Othman, 1424/2003, Al-Haiwan, researched by Mohammad Bassel Ayoun Al-Soud, Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya, second edition. [In Arabic]
- Jafarian, Rasool, 1379, "The role of Ahmad Ibn Hanbal in the modification of Sunni religion", Haft Asman magazine, fifth issue, second year. [in Persian]
- Hashiari, Abi Abdullah Muhammad bin Abdus, 1424 AH, Al-Maziri al-Katab, Haqqah and Fahrased Mustafa Al-Saqqa, Ibrahim Al-Abiari, Abdul Hafiz Shalabi, Cairo: Al-Hiyah Al-Ama Laqsoor Al-Thaqafa. [In Arabic]

- Hanbal, Abdullah bin Ahmad, 1424, Al-Sunnah, Beirut: Dar al-Kitab al-Mu'almiyyah. [In Arabic]
- Khazari, Seyyed Ahmad Reza, 2016, History of the Abbasid Caliphate from the beginning to the end of Buyid dynasty, Tehran: Samt Publisher.
- Khatib al-Baghdadi, Ahmad bin Ali, 1417 A.H. "Tarikh al-Baghdad: or the history of Baghdad", Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya, first edition. [In Persian]
- Karaağaç, hilmi, Kaderiyye/mutezile mecüsilikle ithamın teolojik arkapları, Kelam araştırmaları 13:1(2015), SS. 191-212.
- Rabbani Khorasgani, Ali, Kianpour, Mehdi, 2018, "Sociology of Emotions", Applied Sociology, 20th year, serial number (34), number 2, summer. Pages 35-64.
- Zubair bin Behkar, 1416 AH / 1374 AD, Al-Akhbar al-Muqafiyat, research by Sami Makki al-Aani, Qom: Sharif Razi, first edition. [In Arabic]
- Al-Zubaidi, Faiq Muhammad Hossein, 2020 AD / 1441 AD, al-Tanzif al-Siyasi al-Fikr al-Dini fi al-Abasi era 132-247 AH / 749-۸۶۱ AD), doctoral thesis on the history of philosophy, supervisor Ghaniya Yaser Kabashi, Baghdad, Ibn Rushd University. [In Arabic]
- Zaatari, Asad bin Fathi, 1431 A.H. Al-Ashar al-Waradah an al-Salaf fi Aqeedah Man during the books of al-Masal al-Marwiyyah al-Allam Ahmad, Riyadh: Maktaba al-Maarif for publication and al-Tawzi'ah. [In Arabic]
- Tajuddin Al-Sabki Abi Nasr Abdul Wahab bin Ali bin Abdul Kafi, Al-Tabaqat al-Shafaiyyah al-Kabri, research by Mahmoud Muhammad al-Tanahi and Abdul Fattah Muhammad al-Hallu, [unpublished]. [In Arabic]

- al-Sam'ani , Abu Saad, 1382 A.H. Ansab, research by Abdul Rahman Maalami, Hyderabad: Al-Othmaniyah Encyclopedia, first edition. [In Arabic]
- Al-Suyuti, Jalal al-Din , 1417, Tārīkh al-Khulafā' or History of the Caliphs , researched by Ibrahim Saleh, Damascus: Dar al-Bashaer, first edition. [In Arabic]
- Al-Suyuti, Jalal al-Din , , Tārīkh al-Khulafā' or History of the Caliphs , research by Qasim al-Shamai, Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Shafi'i, Muhammad Ibn Idris, 1414 A.H. Diwan al-Ashar, compiled and researched by Emil Badi Yaqoub, Beirut: Darul Kitab al-Arabi publisher. [In Arabic]
- Sharif Morteza, 1410 AH, Al-Shafi fi al-Imamah, Tehran: Publisher of Imam Sadiq Institute (AS), second edition.
- Al-Shaybānī , Abū 'Amr Ishaq ibn Mirār, 1975, Kitāb al-Jīm, (the J); or Kitāb al-Hurūf, or Kitab al-Lughat, research by Ibrahim Irriyah, Cairo: Al-Hiyeh Al-Ameh Publishers, First Edition. [In Arabic]
- Shirazi Shafi'i, Abi Ishaq, 1401 A.H. Tabaqat Al-Fiqaha, Haqqah and Qadam by Ihsan Abbas, Beirut: Dar al-Rayed al-Arabi. [In Arabic]
- Saberi, Hossein, 1384, History of Islamic Difference, Vol.1, Tehran: Samt. [In Persian]
- Saleh, Sobhi, Mohammad bin Hossein Sharif Razi, 1414, Nahj al-Balagha, research by Faiz al-Islam, Qom: Hijrat, first edition. [In Arabic]
- al-Ṭabarī , Abū Ja'far Muḥammad ibn Jarīr , 1411 A.H. Tarikh al-Rusul wa al-Muluk (History of the Prophets and Kings), researched by Muhammad Abulfazl Ibrahim, Beirut: Dar al-Tarath. [In Arabic]

- Tabarsi, Fazl bin Hasan, 1417 AH, Al-Wari Media, Al-Alam Al-Hadi, Qom: Al-Al-Bayt Lahiya Al-Trath Institute, first edition. [In Arabic]
- Tusi, Abi Jafar Muhammad bin Hasan, 1380 AH, Rizal Al-Tusi, Najaf: Al-Haydriya Press. [In Arabic]
- Ghazali, Abi Hamed, 1421 A.H. Al-Ekhtidis fi al-Itqad, Qadam wa Alaq against Al-Doktor Ali Boulamham, Beirut: Dar Maktaba Al-Hilal. [In Arabic]
- Ghassani, Abulhasan Mohammad, 1994, Nawadar al-Rasaleh 5, book of news and anecdotes, researched by Ebrahim Saleh, Damascus: Dar al-Bashaer, first edition. [In Persian]
- Farsi, Abdul Ghafar bin Ismail, 1403, Tarikh Nishabur, summary, Sarifini, Ibrahim bin Muhammad, compiled by Muhammad Kazem Mahmoudi, Qom: Jamia Modaresin, first edition. [In Persian]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, 1419, Kitab al-Ain, Qom: Hijrat, second edition. [In Arabic]
- Fazl bin Shazan, 1363, Al-AyDAH, researched by Seyyed Jalaluddin Ermoi, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Fallahzadeh, Ahmad, 2018, Interaction of Imamia with other Muslim factions in the Age of Askarians (AS), PhD Thesis, Tehran University of Islamic Religions. [In Persian]
- Kathir, Hafez, 1411 A.H. Al-Badayeh and Al-Nahaye, Beirut, Maktaba al-Maarif.
- Lovest, B. Ta. "Ahmad Bin Hanbal", Encyclopaedia of Iran and Islam, Vol. 10, Tehran. [In Persian]
- Malik bin Anas, 1425, Al-Muta'a, Azami research, Muhammad Mustafa, Abu Dhabi: Zayed bin Sultan Al-Nahyan Institute for Charity and Humanities. [In Arabic]

- Al-Mashabisi, Abu Abdullah, 1986 AD / 1406 AH, Al-Wasaya, research by Abd al-Qadir Ahmed Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition. [In Arabic]
- Masoudi, Abi al-Hassan Ali bin Hussain bin Ali, 1409 A.H. Moruj al-Dahaab and Al-Jawhar mines, Qom: Dar al-Hijrah.
- Muslim bin Hajjaj, 1412 AH, Sahih Muslim, corrected by Muhammad Fouad Abdul Baqi, Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Moawad, Ali Mohammad; 1420 A.H. Abdul Mojood, Adel Ahmad, Tarikh al-Tashri al-Islami, Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya. [In Arabic]
- Moghdisi, Abu Abdullah, 1411/1991, Ahsan al-Taqaasim fi Ma'rifa al-Qalim, Cairo: Madbouli School, 3rd edition. [In Arabic]
- Moghadasi, Motahar bin Taher, al-Mishda wa al-Tarikh, Bur Saeed: Maktaba al-Thaqaf al-Diniyeh. [unpublished]
- Moghadami Basri, Muhammad bin Ahmad, 1428 AH, Al-Tarikh and Asma al-Muhaddithin and Konahm, Research: Abdul Khafaji, Thamer Kazem, Qom: Ayatollah Marashi Library (PBUH), first edition.
- Author unknown, 1391, Akhbar al-Dawlah al-Abassieh, researched by Abdul Aziz al-Douri and Abdul Jabbar al-Muttalabi, Beirut: Dar al-Talia. [In Arabic]
- Mirzaei, Alireza, 2016, Ahmad bin Hanbal and Ahl al-Bayt, Tehran: Mashaar Publishing House.
- Nashar, Ali Sami, 1416 AH, Nasha al-Fikr al-Falsafi fi al-Islam, Cairo: Dar al-Maarif.
- Nasrallah, Javad Kazem, 2013/1413, Imam Ali (as) in the thought of the Mu'tazila of Basra, Basra: Dar al-Fiha.

- Al-Minqar ,Naṣr b. Muzāḥim, 1404, Waq'at Siffin, researched by Abdus Salam Mohammad Haroun, Qom: Ayatollah al-Marashi al-Najafi school, second edition. [In Arabic]
- Waqidi, Muhammad bin Omar, 1410/1990, Kitab al-Raddah, researched by Yahya al-Jubouri, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, [In Arabic]
- Wakie, Muhammad bin Khalaf, Akhbar al-Qadaa, research by Laham, Saeed Muhammad, Beirut: Alam al-Kitab, 1422, first edition. [In Arabic]
- Valvi, Ali Mohammad, 1367, History of Islamic Theology and Religions, Tehran: Ba'ath Publications. [In Persian]
- Hedayat Panah, Mohammad Reza, 1381, Reflection of Ottoman thought in the incident of Karbala, Humanities Methodology Quarterly, No. 33. [In Persian]
- Yaqut, Abu Abdallah, 1995, Maajm al-Baldan, Beirut: Dar Sadir, Ta Al-Thania.
- Yaqoubi, Ahmad bin Ishaq, 1419 AH, Tarikh Al-Yaqoubi, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]